

بررسی تطبیقی هویت قومی در ایران و لبنان

ابراهیم حاجیانی، دانشیار، گروه پژوهش‌های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک تهران*

زهرا ایروانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

آرمین امیر، دانشجوی دکتری نظری فرهنگی دانشگاه تهران

چکیده

هویت قومی سطحی از هویت جمعی است که می‌تواند گروهی از افراد را که با یکدیگر اشتراکات جغرافیایی، زبانی، تاریخی، نژادی و مذهبی دارند، را با هم همبسته و منسجم کند. مقاله حاضر با هدف بررسی تطبیقی هویت قومی در ایران و لبنان در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران و دانشگاه آمریکایی بیروت انجام شد. متغیر وابسته که به عنوان مسأله اصلی تحقیق در نظر گرفته شده است "هویت قومی" دانشجویان است که با متغیرهای مستقلی همچون هویت ملی، جهانی شدن، فرهنگ تساهل و تسامح، جنس، سن، ... در ارتباط و مقایسه گذاشته شده است. چارچوب نظری استفاده شده در این تحقیق، تلفیقی از نظریات مید، اسمیت، فینی و گیدنز است. حجم نمونه آماری شامل ۸۰۰ نفر دانشجویان دانشگاه تهران و بیروت است که نمونه هر کشور ۴۰۰ نفر از میان چهار قومیت عمده ایران (فارس، ترک، کرد و لر) و لبنان (شیعه، سنی، مسیحی مارونی و دروزی) به روش سهمیه‌ای انتخاب شدند. روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه انجام شده است. در این بررسی برای تعیین روایی از اعتبار صوری و برای تعیین پایایی سؤال‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد بین میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی و لبنانی تفاوت وجود دارد: میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی از دانشجویان ایرانی بیشتر است. در بین دانشجویان ایرانی هویت قومی دانشجویان شیعه و دروزی بالاتر از دانشجویان سایر اقوام بالاتر است. همچنین، در بین دانشجویان لبنانی هویت قومی دانشجویان شیعه و دروزی بالاتر از دانشجویان سایر اقوام است. متغیرهای جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح دانشجویان ایرانی بر هویت قومی آنها تأثیر معناداری دارد. هرچه جهانی شدن و تساهل و رواداری در بین دانشجویان ایرانی قوی‌تر باشد، میزان هویت قومی‌شان قوی‌تر است. همچنین، هرچه میزان هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح در بین دانشجویان لبنانی بیشتر باشد، میزان هویت قومی‌شان بیشتر خواهد بود.

کلید واژه‌ها: هویت قومی، قومیت، هویت ملی، جهانی شدن، فرهنگ تساهل و تسامح.

مقدمه و طرح مسأله

هویت یکی از مفاهیم مهم علوم اجتماعی است که ابزار مناسبی برای فهم و تحلیل شرایط اجتماعی فرهنگی تلقی شده است؛ چرا که به نظر می‌رسد می‌توان زوایا و لایه‌های عمیق‌تر و اساسی‌تر اوضاع اجتماعی را گزارش داده و تعریف نماید. در واقع، از حیث مفهومی هویت مقوله‌ای است که جوهر و اساس بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی به شمار آمده، به مثابه شاخص یا علت آنها نیز محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، هویت بر نحوه و کیفیت کنیری از رفتارهای کنشگران و عاملان انسانی اثرگذار است (تامپسون؛ به نقل از حاجیانی: ۱۳۸۸). هویت به عنوان یک ابزار تحلیلی دو بعد مهم فردی و جمعی دارد که جنبه فردی آن در روان‌شناسی و علوم رفتاری، تعلیم و تربیت و اخلاق مورد توجه قرار گرفته و ابعاد جمعی آن حوزه مورد علاقه محققان علوم اجتماعی است. هویت جمعی^۱ ابعاد متعددی دارد که از نظر نوع و گستره جامع مرجع آن می‌توان آن را در یک طیف قرار دارد و البته، یکی از ابعاد مهم آن هویت قومی است. هویت قومی مجموعه شاخصه‌های یک گروه انسانی (از جمله نیای مشترک، اسطوره، نژاد، زبان، دین واحد و سکونت در یک سرزمین) را گویند که آن را از سایر گروه‌ها متفاوت می‌نماید.

مسأله تکرر قومی و مذهبی کشورها و تنوع و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و از مهم‌ترین ابزارهای استعماری بیگانگان محسوب می‌شود (عصاریان‌نژاد؛ به نقل از احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۵). هویت قومی و تشدید و برجستگی آن، یکی از مسایل اجتماعی مهم کشورهای چند قومیتی است؛ چرا که این مسأله ربط وثیقی با انسجام ملی دارد. باید گفت، تشدید هویت قومی باعث می‌شود هر قومی که دارای قدرت است، منابعی را که تحت کنترل خود دارد، یکسان توزیع نکند. به عبارتی، بین افراد مختلف تبعیض قائل

شود و در نتیجه موجب از هم پاشیدن وحدت ملی و انسجام که شاخص مهمی در هویت ملی یک کشور است، شود (نواح و نقوی‌نسب، ۱۳۸۸: ۶۵). اهمیت تشدید هویت قومی؛ بویژه در کشورهای توسعه نیافته بیشتر است. در این کشورها که هنوز جامعه مدنی با مکانیزم‌های آن نهادینه نشده است، این مسأله می‌تواند اثرهای مخربی در سرنوشت آنها بگذارد. عمده تأثیر قومیت و هویت قومی در چنین کشورهایی به صورت کلان است، اما تشدید هویت قومی در سطح خرد نیز می‌تواند موجب بروز آسیب‌هایی برای افراد شود. برای مثال، در سطح کلان هویت قومی با تأثیرگذاری بر هویت ملی، می‌تواند اساس یک کشور را به خطر بیندازد. در سطح خرد نیز تشدید هویت قومی با تأثیر گذاشتن بر مناسبات زندگی افرادی که بنا به دلایلی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، می‌تواند مشکلات خاصی را به وجود آورد. تفرقه، تضاد و واگرایی اقوام و خرده فرهنگ‌های مستقر و ساکن در جامعه کثیرالقوم و چند فرهنگی مایه نگرانی و اسباب دلمشغولی سیاستمداران و نخبگان را فراهم آورده است. با توجه به تکرر قومی بودن دو کشور ایران و لبنان و همچنین، ارتباطات تنگاتنگ و علقه‌های فراوان بین دو کشور و شرایط مشترک سیاسی- اجتماعی بر این اساس، سؤال اصلی در این مقاله آن است که وضعیت هویت قومی در ایران و هویت قومی در لبنان چگونه است؟ به عبارتی، آیا میان میزان گرایش هویت قومی در بین دانشجویان ایرانی و گرایش به هویت قومی در بین دانشجویان لبنانی تفاوت معناداری وجود دارد؟ همچنین، عوامل مؤثر بر هویت قومی در دو کشور کدامند؟

مفهوم‌شناسی

هویت قومی یکی دیگر از انواع هویت جمعی است که به مجموعه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک قوم را از قوم‌های دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد و آنها را منسجم می‌کند.

^۱ Collective Identity

هویت قومی در سطحی پایین‌تر از هویت ملی قرار دارد. هویت قومی با مفاهیم همخانواده‌اش همچون "گروه قومی" و "قومیت" در هم تنیده شده است، به طوری که بدون تعریف و شناسایی آنها درک هویت قومی نیز سخت می‌شود. قومیت واژه‌ای است که به طور فزاینده از دهه ۱۹۶۰ تاکنون برای تفاوت‌های انسانی در حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگوهای اجتماعی و تبار به کار برده می‌شود. واژه قوم (Ethnic) از واژه یونانی Ethnos به معنی ملت آمده است. در انگلیسی اولیه، کاربرد واژه Ethnic به تفاوت‌های فرهنگی ملت‌های مشترک برمی‌گردد. قومیت، ارتباط اجتماعی ویژه‌ای بین عامل‌هایی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از اعضای گروه‌های دیگر که با آنها حداقلی از کنش متقابل منظم را دارند، متفاوت می‌بینند. همچنین، قومیت می‌تواند به عنوان هویت اجتماعی (ناشی از یک تمایز و تفاوت با دیگران) به وسیله خویشاوندی‌های افسانه‌ای یا استعاری تعریف شده باشد. گروه‌های قومی تمایل دارند که اسطوره‌هایی از سرچشمه مشترک داشته باشند. هویت قومی از ترکیب متنوع مؤلفه‌های قومیت به وجود می‌آید و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مؤلفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می‌شود. بنابراین، در بین قوم‌های مختلف مؤلفه‌های قومیت متفاوت بوده، در هر گروه قومی هر یک از مؤلفه‌ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند (احمدلو، ۱۳۸۱: ۱۲۶). هویت قومی را برپایه شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. پژوهشگران علوم اجتماعی در اوایل قرن بیستم، علایق و هویت‌های نژادی، قومی و زبانی را اغلب نوعی واپس‌گرایی و نابهنجاری تاریخی قلمداد می‌کردند که در برابر کمونیسم، تسلیم و نابود شده، یا در چارچوب نهادهای لیبرال دموکرات ادغام و حل می‌شود. قومیت بازمانده از مراحل اولیه تحول جامعه انسانی به شمار می‌آید که دیر یا زود از میان

خواهد رفت (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹). به نظر آنتونی اسمیت، قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسؤولیت (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶). درجه^۱ در مقاله هویت قومی به پنج ویژگی گروه‌های قومی به این شرح اشاره می‌کند: ۱- گروه‌های قومی معمولاً کنترل یک قلمرو را در اختیار دارند؛ ۲- نهادهای قومیتی نوعی نیروی جذب‌کننده را به کار می‌گیرند؛ ۳- افراد گروه قومی به هم ذات‌پنداری دقیق با میراث و فرهنگ شان نیاز دارند؛ ۴- ممکن است که ایدئولوژی سیاسی یا مذهبی، ارزش‌هایی را تجویز کند که از ارزش‌های یک گروه قومی مهمتر به نظر برسند و به جوانان گروه قومی هدف و جهت‌ارایه دهد. پس، بین مذهب و قومیت یک همبستگی بسیار قوی وجود دارد؛ ۵- افراد گروه قومی که خود را عامل انجام ماموریتی می‌دانند، برای تطبیق دادن ایدئولوژی شان با شرایط موجود، با نسبت دادن نمادین آن به یک گذشته تاریخی، به راه‌های اجتماعی و روان‌شناسانه متوسل می‌شوند (درجه، ۲۰۰۶).

«باتوجه به تعاریف فوق می‌توان مهم‌ترین

خصوصیت‌های یک قوم را موارد زیر دانست:

- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره‌ای؛

- نام مشترک؛

- سرزمین مشترک؛

- زبان مشترک؛

- فضاهای زیستی مشترک؛

- آداب و رسوم مشترک؛

- ارزش‌های مشترک؛

- احساس تعلق به گروهی مشترک» (کریمی، ۱۳۹۰: ۶۶).

سه رهیافت اصلی برای فهم هویت قومی عبارتند از:

۱- بدوی‌گرایان که معتقدند هویت قومی امری باطنی، قبلی و

¹ Dredge

ملی، یکی از دغدغه‌های مهم محققان علوم اجتماعی و پژوهشگران مسائل استراتژیک در سایر جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. چلبی (۱۳۷۸) در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی، به این نتیجه می‌رسد که دلبستگی آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دلبستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر قوم‌هاست. احمدلو (۱۳۸۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه میزان هویت قومی و ملی بین جوانان تبریز» عنوان می‌کند که هویت ملی و قومی در ارتباط با هم هستند و افراد طی فرایند اجتماعی شدن آن را درونی می‌کنند. احمدی در قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، در یک بررسی تاریخی با مطالعه سه قوم ایرانی کردها، بلوچ‌ها و آذری‌ها، در پی پاسخ به این سؤال است که: «چرا اقوام فوق در ایران سیاسی شدند؟» به نظر وی، سیاسی شدن آنها متأثر از عوامل: ظهور دولت‌های سکولار مدرن و مواجهه آنها با رؤسای قبیله‌ای خود مختار سنتی، کنترل اختلافات مذهبی قومی و ساختار هویت‌های قومی توسط نخبگان سیاسی و روشنفکران قومی و غیر قومی (نقش نخبگان) و حمایت گرایش‌های ناسیونالیستی سکولار به وسیله خاورشناسان غربی است (احمدی، ۱۳۸۳). آرمی (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «تعیین میزان هویت محلی و هویت جهانی دانشجویان و شناخت و تعیین نوع و شدت رابطه بین هویت محلی و هویت جهانی دانشجویان» عنوان می‌کند که میانگین کل هویت محلی دانشجویان بالاتر از میانگین هویت جهانی آنان است و در برخی متغیرها مانند مذهب، قومیت و زبان، شدت این هویت محلی بیش از متغیرهای دیگر است. هیودی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی»، عقیده دارد که مشارکت قوم عرب نسبت به فارس در انتخابات در سطح ملی پایین بوده؛ اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی صورت گرفته، بالا بوده است. به نظر محقق، استان خوزستان به لحاظ بعد داخلی در سه پارامتر سیاسی،

قدیم و متأثر از تعلق خاطر اولیه افراد نسبت به یک گروه و یا یک فرهنگ است.

۲- ابزارگرایان که قومیت را به عنوان ابزار سیاسی که رهبران برای تعقیب منافع خویش آن را ساخته، از آن بهره می‌جویند، می‌دانند.

۳- برساختگرایان که قومیت را امری تصادفی و تغییرپذیر می‌دانند که علاوه بر شکل‌گیری آن در فرآیند تاریخی به وسیله ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استمرار و انعطاف می‌پذیرد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱).

«درباره مضمون هویت قومی چند رویکرد برجسته وجود دارد:

۱- خود هویت‌یابی قومی^۱: خود تعریفی یا خود برچسب‌زنی با گروه قومی خاص یا خود مقوله‌بندی با گروه قومی.

۲- احساس تعلق که در مقایسه با دیگر گروه‌ها قابل‌سنجش است.

۳- نگرش مثبت و منفی درباره گروه قومی خودی، افتخار، پذیرش، رضایت و احساس غرور از گروه قومی خودی.

درگیری و فعالیت قومی (مشارکت اجتماعی و رفتار فرهنگی)، مشارکت در زندگی اجتماعی و رفتارهای فرهنگی گروه قومی خودی که شاخص‌های آن زبان، دوستان، سازمان اجتماعی، مذهب، سنت‌های فرهنگی و سیاست است. علاوه بر اینها، رفتارهای فرهنگی مثل موسیقی، رقص، پوشش، روزنامه‌ها، مجلات، کتب، ادبیات، غذا، آشپزی، اوقات فراغت، سنت‌های فامیلی و خویشاوندی، نقش‌های خانوادگی دیگر، ازدواج درون گروهی، دانش درباره فرهنگ قومی و تاریخ قومی، ملاک‌های مهم هویت قومی به شمار می‌آیند» (فینی؛ به نقل از حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۱۸).

پیشینه

شواهد و تحقیقات موجود نشان می‌دهد موضوع رابطه و نسبت میان هویت‌های قومی و محلی (و فرو ملی) با هویت

¹ Ethnic self-Identification

دارای بعدسیاسی، فرهنگی و تاریخی قوی و بعد زبانی گرایش در حد ضعیف هستند. احمدی پور و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر ویژگی‌های قومی در فرآیند مشارکت سیاسی کشور (مطالعه میدانی استان خوزستان) بیان می‌کنند هویت قومی تأثیر معناداری بر هویت ملی اقوام عرب دارد. تعداد زیاد مطالعات انجام شده طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ در خصوص هویت قومی که توسط جین فینی^۱ جمع‌بندی شده و مشتمل بر حدود ۷۰ عنوان پیمایش بوده است، نشان از اهمیت مطالعات هویت قومی در دنیا دارد. وی هویت قومی را در بین اقلیت‌های قومی در بین دانش‌آموزان بررسی کرده و معتقد است هویت قومی در بین اقلیت‌ها در حال افزایش است (فینی؛ به نقل از حاجیانی، ۱۳۸۸). ضیاء‌الدین احمد در کتابی با عنوان نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب، ظهور ناسیونالیسم عرب را ساخته و پرداخته استعمار غرب می‌داند که برای رویگردانی مسلمانان از دیانت و در نتیجه چیرگی آنها طرح‌ریزی شده بود. به نظر محقق، سه ابزار توسعه جنبش ناسیونالیسم عرب عبارتند از: ۱- مطبوعات؛ ۲- مراکز تعلیم و تربیت؛ ۳- احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های سازمان یافته. محقق با ذکر شواهدی مطبوعات کشورهای مصر، لبنان و سوریه را منتسب به مزدوری برای بیگانگان می‌نماید. بدین سان، محقق نتیجه می‌گیرد که اندیشه ناسیونالیسم، در واقع همان گسترش نظام سلطه غربی است (ضیاء‌الدین احمد، ۱۳۶۵). رینکاووسکی (۱۹۹۷) در تحقیق خود اشاره می‌کند هویت قومی در بین اقوام این کشور از قوت بالایی برخوردار است. پلوس^۲ در مقاله‌ای با عنوان «ساخت قومیت جهانی شده» هویت قومی مهاجرانی را که از هند که به هنگ کنگ مهاجرت کرده‌اند، بررسی می‌کند. به نظر پلوس، جهانی شدن هویت قومی را انعطاف‌پذیر می‌کند، زیرا فرآیند جهانی شدن نظرهای مردم درباره خودشان را تغییر می‌دهد (پلوس، ۲۰۰۵). کریدی و مونرو (کریدی و مونرو، ۲۰۰۶) با تحلیل مصاحبه‌هایی که با

اقتصادی و فرهنگی با چالش روبه روست. در بعد سیاسی، دارای قومیت متفاوت است؛ در بعد اقتصادی، با وجود منابع سرشار در استان، این استان به طور کلی توسعه نیافته است؛ در بعد فرهنگی ساختار قبیله‌ای اقوام استان باعث تعصبات منفی در این استان شده و بحران زاست. آموسی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «احساس تعلق به هویت قومی و هویت ملی در بین جوانان شهر پیرانشهر» عنوان می‌کند که جوانان کرد شهر پیرانشهر به واسطه تقویت خودآگاهی سیاسی منتج از تحولات منطقه‌ای، شرایط جهانی شدن، بالا رفتن میزان سواد عمومی، آگاهی به مسأله تبعیض سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رواج گسترده رسانه‌های کردی زبان مثل ماهواره، تمایل به دخالت دادن آنها در امر حکومت‌داری و دور نگهداشتن عمدی آنها از این مقوله، طی سال‌های اخیر، از لحاظ هویت کردی، خود را تقویت کرده‌اند. نوشادی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی هویت قومی و ملی جوان‌های کرد» عنوان می‌کند مؤلفه‌هایی چون پوشیدن لباس کردی و پایبندی به آداب و رسوم کردی در پی شرایط جهانی شدن بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها رنگ باخته‌اند و اکنون دیگر به عنوان مؤلفه‌های اصلی هویت قومی کرد شناخته نمی‌شوند. نواح و تقوی‌نسب (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز» عنوان می‌کنند با افزایش هویت قومی، هویت ملی کاهش یافته و در نتیجه حاکی از اوضاع بحرانی هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز است. ربانی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه هویت قومی و ملی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران» عنوان می‌کند که بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت، هم‌افزا و متوسطی وجود دارد. مهرمند و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در شهر ارومیه» نتیجه می‌گیرند جوانان آذری زبان ضمن گرایش به هویت ملی

¹ Jean s. phinney.

² Pluss

خصوصی‌ترین گوشه‌های خود می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۵) بر اساس چارچوب نظری شکل گرفته از نظریه‌های مطرح شده که دارای رویکرد تلفیقی است، مدل تحلیلی شکل گرفت و فرضیه‌های تحقیق استخراج شد.

روش شناسی

مطالعه حاضر یک تحقیق پیمایشی است که در آن امکان توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها از طریق استنباط علی فراهم است. تحقیق پیمایشی با مشاهده تغییر صفت در واحدهای تحلیل و دنبال کردن تغییرات دیگری که با آن همبسته است، در پی درک علل پدیده است (دواس، ۱۳۷۶: ۵). در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شده است.

جامعه آماری در این تحقیق، دانشجویان ایرانی متعلق به چهار قومیت عمده ترک، کرد، لر و فارس در دانشگاه‌های تهران و دانشجویان لبنانی مربوط به چهار قومیت دروزی، سنی، شیعه و مسیحی مارونی در دانشگاه بیروت هستند. با توجه به محدودیت‌های موجود، حجم نمونه دانشجویان در هر کشور ۴۰۰ نفر است؛ به این صورت که در ایران طبق سهم قومیت‌ها به ترتیب قومیت فارس: (۱۰۸ نفر مرد و ۱۰۷ نفر زن) ترک: (۵۴ نفر مرد و ۵۳ نفر زن) کرد: (۲۲ نفر مرد و ۲۱ نفر زن) لر: (۱۸ نفر مرد و ۱۷ نفر زن) بوده است. در لبنان قومیت مسیحی مارونی: (۴۸ نفر مرد و ۴۸ نفر زن) سنی: (۶۴ نفر مرد و ۶۴ نفر زن) دروزی: (۱۶ نفر مرد و ۱۶ نفر زن) شیعه: (۷۲ نفر مرد و ۷۲ نفر زن) بوده است. به این ترتیب، کل حجم نمونه این تحقیق برابر با ۸۰۰ نفر برآورد شد.

شیوه نمونه‌گیری این تحقیق نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. این شیوه نوعی نمونه‌گیری بسیار ساده است که در آن آزادی پرسشگر بالاست و اعضای جامعه آماری به دقت تعیین می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۶۶). پرسشنامه تکنیک بسیار ساختمند و پرکاربردترین تکنیک گردآوری داده‌های پیمایش

عاملان خشونت‌های قومی در طول جنگ داخلی لبنان داشته‌اند، نتیجه می‌گیرند که هویت، کارهایی را بر همه افراد تحمیل می‌کند- فارغ از زمینه ایدئولوژیک یا زمینه‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی/اجتماعی ایشان. یافته‌های آنها رویکردهای عقل‌گرایانه نظریه تضاد و نظریه انتخاب عقلانی، و ادعاهای نهادی دموکراسی مشارکتی را به چالش می‌کشد و قدرت عظیم هویت و برداشت از خود را در اتخاذ کنش سیاسی نسبت به دیگران نشان می‌دهد.

چارچوب نظری

برای توصیف و تبیین هویت به طور کلی چارچوب مفهومی^۱ نظریه کنش متقابل نمادین^۲ که از سوی جرج هربرت مید، کولی و برومر مطرح شده است، استفاده گردید. تأثیرپذیری هویت از دیگران و خصلت بازتابی بودن (کوزر، ۱۳۸۰: ۴۴۹) و برخورداری آن از دو بعد من فاعلی I و مفعولی Me است (ریترز، ۱۳۸۷: ۱۵۷). اسمیت دو مدل برای هویت ملی ارائه می‌دهد: (۱) مدل مدنی-سرزمینی (مدل غربی) مدل غربی بر سرزمین، اجتماع سیاسی-قانونی، فرهنگ مشترک و ایدئولوژی مدنی مشترک تأکید می‌ورزد و (۲) مدل جغرافیایی-قومی (مدل غیر غربی). این مدل بر نیای مشترک، قومیت و پیوندهای خونی تأکید دارد (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). از نظر فینی خود هویت‌یابی قومی، احساس تعلق، نگرش مثبت و منفی درباره گروه قومی خودی، درگیری و فعالیت قومی (مشارکت اجتماعی و رفتار فرهنگی) ملاک‌های مهم هویت قومی به شمار می‌آیند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۱۸). بر مبنای نظریه گیدنز تجدد تغییرات ریشه‌ای را در کیفیت زندگی روزمره به وجود می‌آورد و بر وجوه مختلف تجربیات ما اثر می‌گذارد. تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم با زندگی فردی و خود ما درهم می‌آمیزند. تجدد موجب تکه‌برداری^۳ (خروج از قیود محلی و ترکیب مکرر عناصر جدید) و ساماندهی بازتابی

^۱ Conceptual Fram Work

^۲ Symbolic Interaction Theory (SIT)

^۳ disembodiment

و تعلق به خرده فرهنگ قومی، تلقی برتری و برجستگی قومیت خود نسبت به سایر اقوام و ترجیح منافع قومی بر منافع ملی، احساس ستم قومی - تبعیض محدودیت - احساس بی‌پاسخ ماندن نیازها و مطالبات قومی (داشتن دغدغه و مسأله نسبت به جایگاه و موقعیت سیاسی^۵ اجتماعی قوم) است. به منظور سنجش هویت قومی دانشجویان از مقیاس حاجیانی (۱۳۸۷) استفاده شده که در تحقیقات متعدد مورد استفاده قرار گرفته و هر بار دارای اعتبار و پایایی مناسب بوده است و مبنی بر ساختار طیف لیکرت است. برای تضمین اعتبار صوری پرسشنامه، گویه‌ها به متخصصان ارائه شد و به منظور تعیین میزان پایایی، پرسشنامه در اختیار ۴۰ نفر از دانشجویان قرار گرفته و به صورت آزمایشی اجرا شده است. مقدار آلفا برای این سنجش ۷۱ درصد است. سطح سنجش گویه‌ها ترتیبی است. گویه‌های متفاوت در هر دو کشور در جدول (۱) به صورت جداگانه آمده است.

است؛ به این دلیل که شیوه کارآمدی برای تشکیل ماتریس متغیر بر حسب مورد برای نمونه‌های بزرگ است (دواس، ۱۳۷۶: ۸۷). بر اساس تعاریف نظری و عملیاتی انجام شده از متغیرهای وابسته و مستقل، پرسشنامه تحقیق به عنوان ابزار سنجش متغیرها ایجاد شد که شامل تعدادی گویه به صورت طیف لیکرت بود. پرسشنامه کشور لبنان هم پس از اصلاحاتی به زبان عربی ترجمه و در دانشگاه آمریکایی بیروت آن کشور اجرا شد.

تعریف مفاهیم و روش سنجش متغیرها

متغیر وابسته (هویت قومی)

در پژوهش حاضر هویت قومی به عنوان متغیر وابسته مطالعه شده است. منظور از این متغیر، در این پژوهش، اهمیت دادن به زبان و ادبیات قومی، احساس نزدیکی به هم‌هویتی‌های خارج از کشور - تمایل به ارتباط با آنان - خوشبخت دانستن آنها - استقبال از استقلال آنها، تعهد به اجتماع قومی، دل‌بستگی

جدول ۱- معرف‌ها، گویه‌ها و سطح سنجش هویت قومی

مفهوم	معرف‌ها	گویه‌ها (ایران، لبنان)
زبان قومی	برای من خیلی مهم است که فرزندانم در آینده به زبان مادری خود صحبت کنند.	
هم‌هویتی‌های خارج از کشور	فکر می‌کنم که مردم هم قوم من در آن سوی مرز خوشبخت‌تر از من هستند. هر کس باید با هم قوم (هم‌طایفه‌ای) خودش ازدواج کند.	
تعهد به اجتماع قومی	برای من در درجه اول قومیت مهم است، بعد ایرانی بودن. برای من در درجه اول طایفه‌ام مهم است، بعد لبنانی بودن.	
دل‌بستگی قومی	داشتن ارتباط فرهنگی با منطقه محل تولدم (افراد هم قوم خودم) در همه دوران زندگی برایم مهم است.	
هویت قومی	برتری قومی	به نظرم ارزش‌ها و فرهنگ قومی من خیلی جالبتر و جذابتر از ارزش‌های سایر فرهنگ‌های ایرانی است. به نظرم ارزش‌ها و فرهنگ قومی من خیلی جالبتر و جذابتر از ارزش‌های سایر فرهنگ‌های لبنانی است.
تبعیض و دغدغه قومی	تبعیض و دغدغه قومی	به نظرم امروز در جامعه ما اعضای بعضی گروه‌های قومی مورد تبعیض قرار می‌گیرند. بیشتر مشکلات قوم من به سیاست‌های دولت بر می‌گردد.

متغیرهای مستقل

هویت ملی: احساس تعلق و تعهد به عناصر و نمادهای مشترکی، چون: ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و زبانی در سطح اجتماع ملی است.

جهانی شدن: منظور از این متغیر، در این تحقیق، اعتقاد به وجود مشکلات و مسائل مشترک جهانی، اعتقاد به زیست بوم کره زمین- جهانی فکرکردن- همزیستی و تعامل با سایر ملل است.

فرهنگ تساهل و تسامح: منظور از این متغیر، در این تحقیق، اعتقاد به برخورداری از حقوق یکسان برای همه افراد جامعه ملی، تحمل- پذیرش و هماهنگی سبک‌های زندگی متفاوت در جامعه ملی است.

قومیت: یکی از متغیرهایی که در این تحقیق به عنوان عامل مهم و تأثیرگذاری در نظر گرفته شده، نوع قومیت پاسخگویان است. سطح سنجش این متغیر اسمی است. قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل: زبان، آداب و رسوم، میراث تاریخی و... از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز هستند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۶). به منظور سنجش این متغیر، در ایران چهار قومیت عمده که به صورت سهم آنها در جامعه ملی در نظر گرفته شده‌اند، قومیت‌های لر، ترک، کرد و فارس هستند. سهم قومیت‌ها در کشور ایران به ترتیب عبارتند از: فارس ۵۰ درصد، ترک ۲۵ درصد، کرد ۱۰ درصد و لر ۸ درصد (قمری، ۱۳۸۴: ۱۸۲) هستند. علی‌رغم پاره‌ای مناقشات مفهومی، تسامحاً در مطالعه حاضر فارس‌ها به عنوان یک قوم در نظر گرفته شده‌اند.

سنجش این متغیر، در لبنان چهار قومیت عمده که به صورت سهم آنها در جامعه ملی در نظر گرفته شده‌اند، قومیت‌های مسیحی مارونی، دروزی، سنی و شیعه هستند. سهم قومیت‌ها در کشور لبنان عبارتند از: مارونی ۱۸ درصد، سنی ۲۴ درصد، شیعه ۲۷ درصد و دروزی ۶ درصد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

سایر متغیرهای زمینه‌ای اعم از جنس (زن، مرد)، رشته

تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه و تجربی، فنی و مهندسی، هنر)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل، سایر)، مذهب (مسیحی، تشیع، تسنن، درزی) با سطح سنجش اسمی و سطح تحصیلات (کارشناسی، تحصیلات تکمیلی)، سال تحصیلی (سال اول، سال دوم، سال سوم، سال چهارم و بالاتر) با سطح سنجش ترتیبی و سن با سطح سنجش فاصله‌ای هستند.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

الف- توزیع متغیرهای زمینه‌ای

۱- توزیع جنس: از مجموع ۸۰۰ دانشجوی مورد بررسی ۵۰،۳ درصد را مردان و ۴۹،۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

۲- وضعیت تأهل: ۷۴ درصد دانشجویان مجرد، ۲۵،۶ درصد آنها متأهل و ۴ درصد آنها دارای سایر وضعیت تأهل بوده‌اند.

۳- رشته تحصیلی: ۴۷،۵ درصد دانشجویان در رشته‌های گروه علوم انسانی، ۱۹،۶ درصد آنها در رشته‌های علوم پایه، ۲۸،۱ درصد آنها در رشته‌های فنی و ۴،۸ درصد آنها در رشته‌های هنر مشغول به تحصیل بوده‌اند.

۴- مقطع تحصیلی: ۶۴،۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۳۲،۷ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳،۱ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند.

۵- سال تحصیلی: ۲۸،۳ درصد سال اول، ۳۹ درصد سال دوم، ۱۵،۱ درصد سال سوم و ۱۷،۶ درصد آنها در سال چهارم و بالاتر مشغول به تحصیل بوده‌اند.

۶- مذهب: از مجموع ۳۹۷ دانشجوی مورد بررسی ایرانی، ۹۶،۲ درصد آنها پیرو مذهب شیعه، ۲،۸ درصد سنی مذهب و ۱ درصد پیرو سایر مذاهب بوده‌اند. از مجموع ۴۰۰ دانشجوی مورد بررسی لبنانی، ۲۴ درصد مسیحی و ۷۶ درصد پیرو دین اسلام بوده‌اند.

۷- قومیت: از مجموع ۴۰۰ دانشجوی مورد بررسی ایرانی ۸،۸ درصد لر، ۲۶،۸ درصد ترک، ۱۰،۸ درصد کرد و ۵۳،۸ درصد فارس بوده‌اند. از مجموع ۴۰۰ دانشجوی مورد بررسی لبنانی، ۲۴ درصد مارونی، ۸ درصد دروزی، ۳۲ درصد سنی و ۳۶

درصد شیعه بوده‌اند. میانگین نمره لبنانی‌ها ۲۶٫۴ با دامنه ۱۰ تا ۳۵ و انحراف معیار ۴٫۴ است. اگر نمره هویت قومی در طیفی بین ۱ تا ۵ قرار داده شود، میانگین نمره دانشجویان ایرانی ۳٫۲ و دانشجویان لبنانی ۳٫۵ خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی از دانشجویان ایرانی تا حدودی بالاتر است (جدول ۲).

۸- در مورد توزیع سن پاسخگویان، میانگین سن دانشجویان ایرانی و لبنانی به ترتیب ۲۴ و ۲۴/۳ است.

ب- آماره‌های توصیفی هویت قومی

دامنه نمره هویت قومی دانشجویان ایرانی بین ۹ تا ۳۵ در نوسان بوده و میانگین آن ۲۲٫۵ با انحراف معیار ۴٫۰۷ است.

جدول ۲- توزیع فراوانی هویت قومی پاسخگویان به تفکیک ملیت

	ملیت		جمع کل
	لبنان	ایران	
پایین			
فراوانی	۶۹	۲۰۷	۲۷۶
درصد	۱۷٫۳	۵۱٫۸	۳۴٫۵
متوسط			
فراوانی	۱۳۸	۱۳۱	۲۶۹
درصد	۳۴٫۵	۳۲٫۸	۳۳٫۶
بالا			
فراوانی	۱۹۳	۶۲	۲۵۵
درصد	۴۸٫۳	۱۵٫۵	۳۱٫۹
جمع کل			
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
مینیمم	۱۰	۹	۹
ماکزیمم	۳۵	۳۵	۳۵
میانگین	۲۶٫۴	۲۲٫۵	۲۴٫۵
انحراف معیار	۴٫۴	۴٫۰۷	۴٫۷
میانگین از ۱ تا ۵	۳٫۸	۳٫۲	۳٫۵

ج- توزیع متغیرهای مستقل

هویت ملی: از مجموع ۸۰۰ دانشجوی مورد بررسی، میزان هویت ملی ۳۳٫۶ درصد در حد پایین، ۳۵٫۹ درصد در حد متوسط و ۳۰٫۵ درصد در حد بالا بوده است.

جهانی شدن: از مجموع ۸۰۰ دانشجوی مورد بررسی، میزان جهانی شدن ۳۳٫۴ درصد در حد پایین، ۳۷٫۳ درصد در حد متوسط و ۲۹٫۴ درصد در حد بالا بوده است.

فرهنگ تساهل و تسامح: از مجموع ۸۰۰ دانشجوی مورد بررسی، میزان فرهنگ تساهل و تسامح ۳۳٫۵ درصد در حد پایین، ۳۴٫۸ درصد در حد متوسط و ۳۱٫۸ درصد در حد بالا بوده است.

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد هویت قومی در بین دانشجویان ایران و لبنان متفاوت است.

میانگین نمره هویت قومی دانشجویان ایرانی ۲۲٫۵ بوده و به میزان ۳٫۹۹ نمره از میانگین دانشجویان لبنانی (۲۶٫۴) کمتر است. سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون t ۰٫۰۰۰ است که به لحاظ آماری معنی‌دار است و نشان‌دهنده تفاوت‌های معنی‌دار میان دو گروه است (جدول ۳).

جدول ۳- مقایسه میانگین متغیر هویت قومی در بین دانشجویان ایرانی و لبنانی

متغیر	ملیت	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
هویت قومی	ایرانی	۴۰۰	۲۲,۵	-۳,۹۹	-۱۳,۳	.۰۰۰
	لبنانی	۴۰۰	۲۶,۴			

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که: بین میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی و لبنانی تفاوت وجود دارد. به عبارتی، میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی از دانشجویان ایرانی بیشتر است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد رابطه هویت قومی با هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح در میان دانشجویان دو کشور ایران و لبنان در مقایسه با یکدیگر دارای تفاوت معناداری است.

هویت ملی دانشجویان ایرانی بر هویت قومی آنها تأثیر معناداری دارد: هرچه میزان هویت ملی دانشجویان افزایش

یابد، از میزان هویت قومی آنها کاسته می‌شود. متغیرهای جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح دانشجویان ایرانی بر هویت قومی آنها تأثیر معناداری دارد. هرچه جهانی شدن و تساهل و رواداری در بین دانشجویان ایرانی قوی‌تر باشد، میزان هویت قومی‌شان قوی‌تر است.

همچنین، متغیرهای هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح دانشجویان لبنانی بر هویت قومی آنها تأثیر معناداری دارد. هرچه میزان هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح در بین دانشجویان لبنانی بیشتر باشد، میزان هویت قومی‌شان بیشتر خواهد بود.

جدول ۴- بررسی رابطه هویت قومی با هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح

	هویت قومی و هویت ملی	هویت قومی و جهانی شدن	هویت قومی و فرهنگ تساهل و تسامح
ایران	مقدار t پیرسون	۳۴۹**	۲۰۷**
	سطح معنی داری	.۰۰۰	.۰۰۰
لبنان	مقدار t پیرسون	۲۴۸**	۳۵۸**
	سطح معنی داری	.۰۰۰	.۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان گفت: هویت

قومی در ایران با هویت ملی دارای رابطه‌ای معکوس است، در حالی که هویت قومی لبنانی‌ها با هویت ملی‌شان رابطه‌ای مستقیم دارد. رابطه هویت قومی با متغیرهای جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح در هر دو کشور جهتی هم افزایانه داشته است.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد هویت قومی دانشجویان ایران و لبنان به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس و...) دارای تفاوت معناداری است.

- در بین دانشجویان ایرانی با افزایش سن، هویت قومی تغییری نمی‌کند، در حالی که در بین لبنانی‌ها باعث افزایش

هویت قومی می‌شود.
- سطوح معنی داری به دست آمده از آزمون t برای بررسی رابطه میان جنس و متغیر هویت قومی در میان دانشجویان ایرانی (مقدار t: -۹.۶۹، سطح معنی داری، ۰.۰۰۰) و در میان دانشجویان لبنانی (مقدار t: ۱,۶۵۶، سطح معنی داری، ۰.۰۹۹) به لحاظ آماری معنی دار نیستند. بنابراین، می‌توان گفت که در میان دانشجویان ایرانی و لبنانی، بین زنان و مردان تفاوت معنی داری به لحاظ میزان هویت قومی وجود ندارد.

- میزان هویت قومی در میان دانشجویان ایرانی بر حسب وضعیت تأهل آنها با مقدار آزمون t (۱۱۲۷۸۰۰۰) و سطح معنی داری (۰.۷۶۶) تفاوت معنی داری با هم ندارند. میزان

هویت قومی (۰,۰۰۰) در میان دانشجویان لبنانی به لحاظ آماری معنی‌دار هستند. بر این اساس، می‌توان گفت که بین سال تحصیلی و میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی رابطه وجود دارد؛ بدین صورت که با بالا رفتن سال تحصیلی بر میزان هویت قومی دانشجویان افزوده می‌شود.

- سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون کراسکال-والیس مبتنی بر آزمون خی‌دو برای بررسی تفاوت‌های میزان هویت قومی در میان دانشجویان ایرانی به تفکیک قومیت‌ها ۰,۰۰۹ است که به لحاظ آماری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که بین میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی به تفکیک قومیت آنها تفاوت‌هایی معنی‌دار وجود دارد. میانگین هویت قومی دانشجویان کرد ۲۴,۹ بوده، از سایر قومیت‌ها بالاتر است. همچنین، میانگین هویت قومی دانشجویان ترک نیز از میانگین هویت قومی کل پاسخگویان بالاتر است. سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون کراسکال-والیس مبتنی بر آزمون خی‌دو برای بررسی تفاوت‌های میان قومیت‌ها در متغیر هویت قومی (۰,۰۰۰) در میان دانشجویان لبنانی به لحاظ آماری معنی‌دار هستند. در متغیر هویت قومی میانگین نمره دانشجویان شیعه و دروزی ۲۸,۶ بوده، از دو گروه دیگر بالاتر است (جدول ۵).

هویت قومی دانشجویان لبنانی بر حسب وضعیت تأهل آنها با توجه به آزمون آزمون t (۳,۷۹۰-) و سطح معنی‌داری (۰,۰۰۰) باهم تفاوت دارد، میزان هویت قومی متأهل‌ها از مجردها بیشتر است.

- سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون f برای بررسی رابطه میان رشته تحصیلی و هویت قومی (۰,۵۸۳) در میان دانشجویان ایرانی فاقد معنی‌داری آماری است. میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی به تفکیک رشته‌های تحصیلی آنها به لحاظ آماری با توجه به آزمون خی‌دو (۱۵,۶۸۹) و سطح معنی‌داری (۰,۰۰۱) دارای تفاوت‌هایی معنی‌دار است. میانگین هویت قومی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه از دانشجویان رشته‌های فنی و هنر بالاتر است.

- میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی با مقدار t (۱,۸۳۸)، سطح معنی‌داری (۰,۶۷) و دانشجویان لبنانی با مقدار t (۱۱۴۶۱,۵۰۰)، سطح معنی‌داری (۰,۹۲۰) به تفکیک مقطع تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری با هم ندارد.

- سطوح معنی‌داری به دست آمده از رابطه میان سال (ترم) تحصیلی و هویت قومی (۰,۶۲۴) در میان دانشجویان ایرانی به لحاظ آماری معنی‌دار نیست، در حالی که سطوح معنی‌داری به دست آمده از رابطه میان سال (ترم) تحصیلی و

جدول ۵- بررسی رابطه متغیر هویت قومی با قومیت در بین پاسخگویان ایرانی و لبنانی

متغیر هویت قومی	قومیت	تعداد	میانگین	آزمون ناپارامتری کراسکال-والیس		
				خی‌دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ایران	لر	۳۵	۲۲,۴	۳	۰,۰۰۹	
	ترک	۱۰۷	۲۲,۶			
	کرد	۴۳	۲۴,۹			
	فارس	۲۱۵	۲۱,۹			
	جمع کل	۴۰۰	۲۲,۵			
لبنان	مارونی	۹۵	۲۵,۳	۳	۰,۰۰۰	
	دروزی	۳۲	۲۸,۶			
	سنی	۱۲۹	۲۴,۳			
	شیعه	۱۴۴	۲۸,۶			
	جمع کل	۴۰۰	۲۶,۴			

دانشجویان اکثریت (شیعه) بیشتر است. میانگین نمره دانشجویان سنی مذهب و نیز پیروان سایر مذاهب در متغیر هویت قومی به میزان ۶,۹ نمره، از میانگین نمره دانشجویان اهل تشیع بیشتر بوده است. سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون من یو ویتنی برای بررسی تفاوت‌های موجود در میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی به تفکیک نوع دین آنها ۰,۰۰۱ است که به لحاظ آماری معنی‌دار است و نشان می‌دهد که میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی بر حسب نوع دین آنها با هم متفاوت است: میانگین هویت قومی دانشجویان مسلمان ۲۶,۸۳ بوده، به میزان ۱,۵۸ نمره از میانگین نمره دانشجویان مسیحی (۲۵,۲۵) بیشتر است (جدول ۶).

بر این اساس، اطلاعات جدول فوق می‌توان گفت: میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی بر حسب قومیت آنها با هم تفاوت دارد. میزان هویت قومی دانشجویان کرد از دانشجویان سایر اقوام بالاتر است. همچنین، میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی بر حسب قومیت آنها دارای تفاوتی معنادار است. دارد. میزان هویت قومی دانشجویان شیعه و دروزی بالاتر و دانشجویان سنی پایین‌تر از دانشجویان سایر اقوام است.

- سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون ویتنی برای متغیر هویت قومی به تفکیک مذهب دانشجویان ایرانی به لحاظ آماری معنی‌دار است. میانگین نمره دانشجویان اقلیت از

جدول ۶- بررسی رابطه متغیر هویت قومی با مذهب در بین پاسخگویان ایران و لبنان

هویت قومی	مذهب	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار من یو ویتنی	سطح معنی‌داری
ایران	اکثریت (شیعه)	۳۸۲	۲۲,۲	-۶,۹	۵۵۷,۰۰۰	.۰۰۰
	اقلیت (اهل سنت)	۱۵	۲۹,۱			
لبنان	مسیحی	۹۴	۲۵,۲۵	-۱,۵۸	۱۱۰۱۵,۰۰۰	.۰۰۱
	مسلمان	۳۰۶	۲۶,۸۳			

برخوردار است. در چنین فضایی، از یک سو با دانشجویانی مواجه هستیم که علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هر یک دارای ویژگی‌های زبانی، محلی و فرهنگی خاص خود هستند، در وهله اول در درون اجتماعات قومی خود جامعه‌پذیر شده‌اند. تعلقات و وفاداری‌های آنان در وهله اول محدود و محصور در اجتماعات قومی است و بر اساس آن خود را می‌شناسند و هویت می‌یابند. با ورود فرد به گروه‌ها و اجتماعات بزرگتر، از جمله دانشگاه، به تدریج گرایش‌های عاطفی مثبت نسبت به دیگرانی کلی‌تر (هویت ملی) تعریف می‌شود. امروز اغلب جوانان و به ویژه دانشجویان در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوتی قرار گرفته‌اند و به تبع آن نوعی آگاهی نسبت به فرهنگ‌ها و اجتماعات گوناگون به دست می‌آورند و همین

بر اساس اطلاعات جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت: میزان هویت قومی دانشجویان ایرانی بر حسب مذهبشان دارای تفاوت معناداری است: میزان هویت قومی دانشجویان پیرو مذهب تسنن و سایر مذاهب از دانشجویان شیعه مذهب بیشتر است. همچنین، میزان هویت قومی دانشجویان لبنانی بر حسب مذهبشان متفاوت است: میزان هویت قومی دانشجویان مسلمان از دانشجویان مسیحی بیشتر است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در جامعه ایران و لبنان به دلیل بافت چندفرهنگی و متنوع آن، رسالت دانشگاه و دانشجو در به فعلیت درآوردن پیش شرط‌های اصلی زندگی اجتماعی دشوارتر و از اهمیت بیشتری

گفت افراد دارای هویت قومی بالا خود را متعلق به قومیت و گروه قومی خویش می‌دانند.

در هر دو کشور ایران و لبنان، افزایش میزان جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح دانشجویان رابطه مثبت و هم افزایانه‌ای با هویت قومی‌شان دارند. این یافته با نظر رابرتسون و گیدنز که معتقدند با تعمیق فرآیند جهانی شدن و انقلاب عظیم ارتباطات، دسترسی افراد به اطلاعات آسانتر شده و این امر امکان مقایسه وضعیت اقلیت‌های قومی را در قیاس با گذشته خود و هم‌تباران و گروه‌های حاکم برای اعضای گروه قومی فراهم نموده است (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). در واقع، جهانی شدن با ابزاری که در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد، موجب می‌شود فرهنگ‌ها ضمن شناخت خود و تقویت خودآگاهی محلی به همزیستی فرهنگی و استفاده از میراث مثبت تحول فرهنگ جهانی روی آورند. تحقیقات معیدفر و شملی بر (۱۳۸۶)، حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵)، فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) حاکی از آن است که جهانی شدن به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ساختاریابی مجدد و برجسته شدن هویت قومی^۵ محلی منجر شده است.

ارتباط دو متغیر هویت قومی و هویت ملی را می‌توان بر اساس نظریات فینی در دو رویکرد کلان قالب‌بندی نمود. در دیدگاه نخست که به مدل خطی معروف است، رابطه این دو متغیر به صورت خطی تصور می‌شود. به عبارت روشن‌تر طرفداران این دیدگاه معتقدند تقویت هویت ملی در گرو تضعیف و یا از بین رفتن هویت قومی است و چنانچه هویت قومی تقویت شود، به تضعیف هویت و انسجام ملی منجر خواهد شد. در دیدگاه دوم، به عبارتی مدل غیرخطی صاحب‌نظران معتقدند که تقویت هویت ملی در گرو تضعیف هویت قومی لزوماً به تضعیف هویت و انسجام ملی منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است در عین تقویت هویت ملی در یک جامعه، افراد از هویت قومی بالایی نیز برخوردار باشند (فینی؛ به نقل از ربانی و دیگران، ۱۳۸۸). هویت ملی در بین دانشجویان

مسأله مرزبندی‌های هویتی آنان را دستخوش تغییر نموده است. از این رو، هویت قومی به عنوان یکی از سطوح مهم هویت جمعی در جوامع چندقومی و چند فرهنگی دارای اهمیت زیادی است. دو جامعه ملی ایران دارای اشتراکات زیادی از لحاظ تنوع فرهنگی، همبستگی دینی شیعیان و تعلقات عاطفی و ... هستند. از طرفی، قابل توجه است که تفاوت فرهنگی اقوام در ایران زبانی و در جامعه لبنان مذهبی است. در کشور ایران اقوام از سه هزار سال پیش مورد هجوم اقوام ترک، مغول، عرب و ... قرار گرفته‌اند که در نتیجه این اقوام به نحوی باهم درآمیخته‌اند، اما در لبنان اقلیت‌ها و مهاجران اقوام این کشور را تشکیل می‌دهند.

نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد از میان متغیرهای مختلف، متغیرهای قومیت، مذهب، هویت ملی، جهانی شدن و فرهنگ تساهل و تسامح رابطه معناداری با هویت قومی دانشجویان ایرانی دارند. همچنین، متغیرهای سن، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، سال تحصیلی، قومیت، مذهب، هویت ملی، جهانی شدن، فرهنگ تساهل و تسامح بر هویت قومی دانشجویان لبنانی تأثیر معناداری داشته است. مذهب دانشجویان ایرانی و لبنانی بر هویت قومی‌شان تأثیر معناداری دارد. در بین دانشجویان ایرانی سنی‌ها قوم‌گراتر هستند. در بین دانشجویان لبنانی هویت قومی مسلمانان از بقیه بیشتر است که با نظر بیه بر (۲۰۰۰) همخوانی دارد.

با توجه به اینکه دو کشور ایران و لبنان دارای تنوع قومی و فرهنگی هستند و جزو کشورهای چند قومی محسوب می‌شوند متغیر قومیت بر هویت قومی‌شان تأثیر معناداری دارد. در بین ایرانی‌ها دانشجویان کرد هویت قومی بالاتری نسبت به سایر اقوام دارند که تحقیقات فکوهی و آموسی (۱۳۸۸)، عبداللهی و قادرزاده (۱۳۸۸)، توسلی و ادهمی (۱۳۹۱) این یافته را تأیید می‌کند. در بین لبنانی‌ها، هویت قومی دانشجویان شیعه و دروزی بالاتر از سایر اقوام است که با تحقیق بیه بر (۲۰۰۰) و الکساندر و دیگران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. می‌توان

قومی و جهانی شدن (پژوهش بین نسلی در شهر سنندج)»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۳، ش ۲، ص ۳۷-۷.

چلبی، م. (۱۳۷۸). «میزگرد وفاق اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال اول، ش ۱، ص ۲۱۴.

حاجیانی، ا. (۱۳۸۷). *بررسی منابع هویت ایرانی*، دانشگاه تهران، رساله دکتری جامعه‌شناسی.

_____. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

حبیب‌پور، ک. و ر. صفری. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد spss در تحقیقات پیمایشی*، تهران، نشر متفکران.

حافظ‌نیا و دیگران. (۱۳۸۵). «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوم، ش ۳ و ۴، ص ۵۱.

دواس، د.ا. (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشرنی.

ربانی، ع. و دیگران. (۱۳۸۸). «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳، ص ۹۸. ریتزر، ج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ شانزدهم.

صالحی امیری، ر. (۱۳۸۹). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

ضیاء‌الدین، ا. (۱۳۶۵). *نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب*، ترجمه: حیدر بوذرجمهر، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

طاهری، م. (۱۳۸۸). *بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان*،

ایرانی رابطه‌ای معکوس با هویت قومی دارد که با رویکرد خطی فینی مطابقت دارد. همچنین، هویت ملی در بین دانشجویان لبنانی رابطه‌ای مثبت با هویت قومی‌شان دارد که با رویکرد غیرخطی فینی همخوانی دارد.

منابع

احمدلو، ح. (۱۳۸۱). «رابطه هویت ملی و هویت قومی»، *فصلنامه مطالعات ملی تهران*، ش ۱۳، ص ۳۵.

احمدی، ح. (۱۳۸۳). *ایران، هویت، ملیت و قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

احمدی‌پور، ز.؛ ع. علوی و م.ر. هیودی. (۱۳۹۲). «تأثیر ویژگی‌های قومی در فرآیند مشارکت سیاسی کشور (مطالعه میدانی استان خوزستان)»، *فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، سال ۱۱، ش ۳۶، ص ۶۸.

احمدی‌پور، ز.؛ ط. حیدری موصول و ط. حیدری موصول (۱۳۹۱). «جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت اقوام ایرانی (نمونه موردی دانشجویان قوم آذری)»، *فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، سال ۱۰، ش ۳۴، ص ۵۹.

آرمی، آ. (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

اسمیت، آ. (۱۳۷۷). «منابع قومی ناسیونالیسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره اول، پیش شماره ۱، ص ۱۸۶.

الطائی، ع. (۱۳۸۲). *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: نشر شادگان.

آموسی، م. (۱۳۸۴). *بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان شهر پیرانشهر*، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

توسلی، غ.ع. و ج. ادهمی. (۱۳۹۱). «حافظه تاریخی، هویت

جامعه‌شناسی.

- Alexander, M.G. Shana Levin & P.J. Henry (2005) Image Theory, Social Identity, and Social Dominance: Structural Characteristics and Individual Motives Underlying International Images, *Political Psychology*, Vol. 26, No. 1 p. 27-45.
- Bieber, F. (2000) Bosnia-Herzegovina and Lebanon: Historical Lessons of Two Multireligious States, *Third World Quarterly*, Vol. 21, No. 2, p 269-281.
- Dredge, Leo. (2006) *Identité ethnique* <http://www.thecanadianencyclopedia.com/index>.
- Kreidie, L.H. & Monroe Source, K.R. (2006) Psychological Boundaries and Ethnic Conflict: How Identity Constrained Choice and Worked to Turn Ordinary People into Perpetrators of Ethnic Violence during the Lebanese Civil War", *International Journal of Politics, Culture, and Society*, Vol. 16, No. 1, p5-36.
- Pluss, Carolin. (2005) Constructing Globalized Ethnicity, Migrants From India in Hongkong, *International Sociology*, Vol. 20(2), p 201-224.
- Reinkowski, Maurus. (1997) *National identity in Lebanon since 1990*, *Deutsche Zeitschrift für Politik und Wirtschaft des Orient* 39, S.493-515.

تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی.

عبداللهی، م. و ا. قادرزاده. (۱۳۸۸). «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، ش ۳۶، ص ۱-۲۵.

فکوهی، ن. و م. آموسی. (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران، مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، ص ۴۹-۷۵.

قمری، د. (۱۳۸۴). همبستگی ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، انتشارات تمدن ایرانی.

کریمی، ع. (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها، تهران: سمت.

گل محمدی، ا. (۱۳۸۱). «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۸.

محمد هیودی، م. ر. (۱۳۸۴). نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

معیدفر، س. و ع. و. شهلی‌بر. (۱۳۸۶). «جهانی شدن و

شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، ش ۵۶-۵۷، ص ۱۸۳-۲۰۸.

مقصودی، م. (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

نواح، ع. ر. و تقوی‌نسب، م. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

نوشادی، س. (۱۳۸۴). بررسی هویت ملی و هویت قومی جوانان کرد، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه ارشد

